

سال ۱۳۸۴ بود که محمود احمدی‌نژاد با حمایت اصولگرایان توانست بر مسند ریاست جمهوری بنشیند؛ البته احمدی‌نژاد خودش می‌گفت که مستقل است و ربطی به اصولگرایان ندارد. یکی، دو سال قبل هم مجلس اصولگرای هفتم روی کار آمده بود؛ مجلسی کاملاً یکدست به ریاست غلامعلی حدادعادل. از تصمیم‌گیران اصولگرا که او و دوستانش توانسته بودند در سایه درصالحات‌های گسترده اصلاح‌طلبان برای انتخابات مجلس، وارد بهارستان شوند. حالا سال ۱۴۰۰، سیدابراهیم رئیسی با حمایت یکپارچه اصولگرایان توانست بر مسند ریاست جمهوری بنشیند؛ رئیس‌هم مانند احمدی‌نژاد ادعای مستقل بودن دارد و معتقد است که وابسته به هیچ جناحی نیست که البته با سوابق و گروه‌های حامی‌اش در تناقض است. یک سال و اندی قبل از این هم مجلس اصولگرای یازدهم سر کار آمد؛ مجلسی به یکدستی مجلس هفتم که این‌هم در سایه پایین‌ترین مشارکت مردمی در انتخابات مجلس به ریاست محمدباقر قالیباف تشکیل شد. یکی از وجوه اشتراک دولت‌های نهم و سیزدهم همین ادعای فراجناحی بودن روسای آنهاست. دیگر وجه اشتراک، تشابه بسیار نزدیک فضای سیاسی کشور با آن دوران است. آن زمان دولتی با گفتمان اصلاح‌طلبی به نام دولت اصولگرا تحویل شد؛ این‌بار هم نه دولتی اصلاح‌طلب که دولتی اعتدالگرا بر سر کار است و قرار است قدرت به دولتی منتقل شود که تماماً اصولگراست.

پیش از انتخابات

در جریان انتخابات نهم ریاست جمهوری چهارم‌های زیادی در مجلس به حمایت از احمدی‌نژاد برخاستند، جمعیت این نمایندگان گرفته بود بیشتر هم شد. احمدی‌نژاد در آن انتخابات بر مویی که علیه هاشمی‌رفسنجانی و آنچه اشرافیت می‌خواندند، سوار شده بود. او و کمپین‌اش برابر هاشمی‌رفسنجانی یک دوقطبی تشکیل داده بودند. سال ۸۴ و در مرحله دوم اصولگرایان همگی پشت‌سر احمدی‌نژاد رفتند و اصلاح‌طلبان پشت‌سر هاشمی‌رفسنجانی. احمدی‌نژاد از طیف‌های مختلف اصولگرایی در مجلس حمایت می‌شد و آنها برایش سنگ تمام گذاشتند. در جریان انتخابات ۱۴۰۰ هم آرایش صحنه شبیه بود ولی نه موی ۸۴. پارهایی رئیسی نامزد اصلی جریان اصولگرایان بود؛ نامزدهای دیگر اصولگرا هم در میدان بودند که آنها برایش پولش و کاور کردن رئیسی آمده بودند و لحاظ آن‌ها به نفع او تکان کشیدند. از سوی دیگر روند درصالحیت‌های گسترده نامزدها از سوی شورای نگهبان چنان بود که اجازه ایجاد هیچ دوقطبی‌ای را نداد و سنگین‌ترین دوقطبی در انتخابات ۱۴۰۰، دوقطبی میان جلیلی و رئیسی بود که برخی می‌گفتند هرچند جلیلی قرار بود نامزد پوششی باشد ولی نهایتاً قصد ندارد به نفع رئیسی کنار برود که البته این پیش‌بینی اشتباه از آب درآمد. جلیلی پس از ایفای نقش پوششی‌اش، به سود رئیسی کنار رفت. در این انتخابات هم مجلس یازدهم نقش زیادی برای رئیسی بازی کرد و برخی حتی از مجلس به‌عنوان ستاد انتخابات رئیسی یاد می‌کنند. مجلس چنان پشت‌سر رئیسی بود که پیش از آغاز روند ثبت‌نام نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری، ۲۲۰ نماینده در نامه‌های خطاب به رئیسی از او خواستند برای ریاست‌جمهوری نامزد شود.

هواداری از داخل مجلس

در جریان انتخابات سال ۸۴ احمدی‌نژاد از داخل مجلس اقدام به پارگیری کرد. تعداد زیادی هوادار دوآتشه احمدی‌نژاد بودند و بر سر او قسم می‌خوردند. افرادی که با تنها هوادار احمدی‌نژاد بودند یا برای او در انتخابات ایفای نقش کردند، آن روزها هیمنه‌های سنگینی علیه هاشمی صورت گرفت و با موج سواری از آنچه خودشان ساخته بودند هاشمی را داروغه نشان دادند و خودشان را نین‌هودا اسما! هم نمایندگان خیلی بیشتری در سنبله ۸۴ پشت‌سر نامزد پیروز ایستاده بودند. احتمالاً دو موضوع به عنوان ویر خیز خارجه به مواضع اتخاذ شده توجه به آرایش نامزدها و مواضع اتخاذ شده احتمال پیروزی رئیسی از دیگران بوده و دوم اینکه مجلس هرچند کاملاً اصولگراست ولی طیف تندروی آن و نزدیک به پایداری نقش بیشتری نسبت به مجالس قبل‌تر از خود دارد.

قالیباف هم که هیچ‌گاه به ریاست‌جمهوری نرسید، نهایتاً مجاب‌شد در صورت حضور رئیسی وارد انتخابات نشود و از او حمایت کند و بر همان صندلی ریاستش بنشیند. در این انتخابات هم نمایندگان زیادی به ستاد رئیسی گسیل شدند؛ مقامات ارشد ستاد رئیسی شدند و برایش تبلیغ کردند.

از مجلس به دولت

احمدی‌نژاد برای دولت نهم از مجلس چند نفر را انتخاب و وارد کابینه کرد؛ او از مجلس همسو برای کابینه‌اش چند نفر را فرخواند و از بهارستان با خودش به پاستور برد. داود دهن‌شعری نماینده تهران در مجلس بود که راهی وزارت اقتصاد شد. او از شهریور ۸۴ تا سال ۸۷ وزیر اقتصاد بود. منوچهر متکی هم که به نمایندگی کردکوی در مجلس بود، از شهریور ۸۴ به عنوان وزیر خارجه به کابینه احمدی‌نژاد شد تا سال ۸۹ که در ماجرای معروفش روی هوا عزل شد. سیداحمد موسوی نماینده اهواز هم شهر یور ۸۴ با حکم احمدی‌نژاد به‌عنوان معاونت حقوقی و امور مجلس مسئول به کار شد.

«آرمان ملی» از لزوم بازگشت اصلاح‌طلبی به اصل خود گزارش می‌کند

عزیمت از اصلاح‌طلبی قدرت‌محور به جامعه‌محور



محسن آرمن: اصلاح‌طلبان باید خود را به مردم ثابت کنند

آرمان ملی - حمید شجاعی: اصلاح‌طلبان

حدافل چهار سال از عرصه قدرت اجرایی و عملیاتی کشور به دور هستند و به‌نظر بسیاری از کارشناسان این بهترین فرصت برای نوعی آسیب‌شناسی در جریان اصلاحات است که از سوی یک بازنگری در خود و نقد درون‌جریانی داشته باشد تا بتوانند گفتمانی بلند، پویا و این‌جامعه‌و شیفت‌کردن از اصلاح‌طلبی قدرت‌محور به اصلاح‌طلبی جامعه‌محور اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی از دست رفته را بازگردانند. نکته مهم اینکه اصلاح‌طلبان محسوم به این سر‌نوشت هستند و اگر چنین نکنند پس از چندی به‌طور کامل از عرصه سیاست فعال و عمل ایران کنار گذاشته شده و به فراموشی سپرده خواهند شد. لذا برای تغییر، امروز بهتر از فراسد.

بازگشت به سوی مردم

برخی بر این عقیده‌اند که انتخابات ۱۴۰۰ میخ‌آخری بود که بر تابوت اصلاحات نشست و کلاً آنها را از صحنه سیاسی کشور کنار گذاشت. نکته‌ای که چهره‌هایی همچون صادق زیباکلام یا در قالب دیگر وی سعید حجاریان مطرح می‌کنند. با این حال آنچه مسلم است اینکه امر انکارپذیری نیست و نمی‌توان آن را به مسائل دیگر ارتباط داد؛ چراکه اساساً این اصلاح‌طلبان بودند که طی هشت سال گذشته نتوانستند آن‌طور که باید و شاید خود را به مردم نشان دهند. ثابت‌کنند و برای فرآیندهای پیش‌رو با خود همراه سازند. مسائلی چون عملکرد نه‌چندان موفق فراکسیون امید در مجلس دهم، عملکرد انتقادآمیز دولت حسن روحانی

توصیه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان به رئیسی

خط قرمز شما نا کار آمدی باشد؛ نه دولت‌های پیشین

محمد رضا باهنر: آنچه‌ان چنان به پست چسبیده‌ایم که فقط ملک‌الموت باید مردم را نجات دهد

آرمان ملی - یاسمین طالقانی: «داب‌آقای رئیسی این نباشد

که می‌خواهیم کارهای دولت‌های گذشته را محکوم کنیم؛ از همه دولت‌های گذشته‌اگر وزیر خوب، کارآمد، توانمند و قادر پیدایمی‌کنند، استفاده کنند و هیچ دولتی برای آنها خط قرمز نباشد. این جملات توصیه‌هایی است که بسیاری از دلسوزان به رئیسی می‌کنند و تا کنایت دارند به صرف اینکه فلان وزیر کارآمد در دولت اصلاحات و روحانی حضور داشته، نباید کنار گذاشته شود. اکنون هم محمدرضا باهنر این توصیه را به رئیسی می‌کند. دبیرکل جامعه‌اسلامی مهندسیں می‌گوید که رئیسی باید از وزرای دولت اصلاحات هم استفاده کند و ادامه می‌دهد: «دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، دولت آقای احمدی‌نژاد، بالاخره نیروهایی کارآمد بودند و در دوره خودشان موفقیت‌هایی داشته‌اند. از این نیروهای توانمند استفاده شود و البته نیروهای جدید هم بیایند و وارد چرخه کار شوند؛ یعنی می‌خواهیم این جمله کلی را بگوییم که پیشنهاد می‌کنم که از میان دولت‌های گذشته هیچ دولتی برای آقای رئیسی خط قرمز نباشد. اگر نیروی باصلاحیتی پیدا کردند، این نگرانی را نداشته باشند که این آقای در فلان دولت بوده است.» باهنر ادامه داد: «دولتی بر سر کار می‌آید و طبیعی است که وزیر را عوض می‌کند. وزیر هم می‌گوید متعهدان را عوض می‌کنم و معاون هم می‌گوید، مدیران کل را عوض می‌کنم. مثلاً در آموزش و پرورش مدیر کل می‌گوید می‌خواهم رئیس ادارات را عوض کنم، رئیس اداره هم می‌گوید می‌خواهم مدیر مدرسه را عوض کنم و مدیر مدرسه هم می‌گوید می‌خواهم فرآش را عوض کنم؛ این که نمی‌شود. در کشور ما حداکثر ۱۰۰ تا ۱۵۰ پست سیاسی داریم و بقیه سیاسی نیستند؛ کارمند هستند و کارشان را می‌کنند و یکی موقت‌تر و یکی ناموقت‌تر است؛ بنابراین این همین اشکال ایجاد می‌کند و تا این تعویض‌ها انجام

کم‌هزینه‌ترین و کارآمدترین گفتمان‌ها نسبت به گفتمان‌های رقیب نیازمند این هستیم که کاملاً مسئولانه و از موضع التزام به مصالح ملی و منافع جامعه به تفکر و گفت‌وگو بپردازیم. از همین در خصوص نسخه اصلاح‌طلبان برای بازگشت به جامعه‌گفت: اصلاح‌طلبان از جامعه عبور نکرده‌اند که به آن بازگردند. آنچه رخ داده است بی‌اعتمادی جامعه به اصلاح‌طلبان است. این بی‌اعتمادی البته بیش از آن که ناشی از بدبینی و قضاوت‌های منفی درباره اصلاح‌طلبان باشد، نتیجه ناامیدی و بی‌اعتمادی نسبت به نظام است.

باز تولید گفتمان متناسب با نیاز امروز

محسن آرمن بیان کرد: فراموشی صندوق رای با ماهیت اصلاح‌طلبی ناسازگار است، اما اصلاح‌طلبان قدرت و اثری هم جز جامعه و افکار عمومی ندارند؛ لذا نقطه عزیمت اصلاح‌طلبان باید جامعه باشد و از جامعه به صندوق رای بنگرند نه برعکس. معنای این سخن آن است که اصلاح‌طلبان باید با بازنگری در گفتمان خود و نوسازی آن و ارتباط عمیق‌تر و وسیع‌تر با جامعه بکوشند و اعتماد از دست رفته جامعه را نسبت به کارآمدی و توانمندی خود در بهبود شرایط قانع کنند. نماینده مجلس ششم در خصوص اصلاح‌اتحادات اذعان کرد: مادام که اصلاح‌طلبان نتوانند رای و ارتباط عمیق‌تر خود را به قدرت تبدیل کنند، قادر به اصلاح امور و تحقق اهداف اصلاح‌طلبانه نخواهند بود؛ بنابراین نخستین و میرم‌ترین اقدام اصلاح‌طلبان در شرایط کنونی بازنگری و بازتولید گفتمان اصلاح‌طلبی براساس تجارب گذشته و متناسب با شرایط کنونی است. وی افزود: آن‌ها برای جلب اعتماد از دست رفته مردم نسبت به خود باید به جامعه ثابت کنند که هم از توان لازم برای اصلاح و تحقق اهداف اصلاحی خود برخوردارند و هم اراده لازم برای این کار را دارند. گرچه جامعه بیشتر در توان اصلاح‌طلبان در تحقق اهداف خود بی‌اعتماد است تا به عزم و اراده آن‌ها. عضو حزب توسعه ملی ابراز داشت: ارتباط قوی‌تر احزاب اصلاح‌طلب با اقشار مختلف جامعه، سازماندهی قوی‌تر حزبی و تشکیلاتی، دفاع و حمایت صریح از مطالبات و حقوق قانونی اقشار مختلف جامعه، تصدیر صفت قدرت و آگاهی‌بخشی جامعه، تدوین برنامه‌های عملی و کارآمد برای حل مشکلات و معضلات کشور و توجیه افکار عمومی نسبت به آن‌ها از جمله اقداماتی است که افکار عمومی برای بازسازی پایگاه اجتماعی خود و قانع کردن حاکمیت به پذیرش اصلاح‌طلبان به‌عنوان نماینده واقعی بخش مهمی از جامعه لازم و ضروری است.

کارگزاران هم گفته است: «گر رئیسی به شعار فراجناحی واقعا پایبند است، باید از مدیران با تجربه و متخصص استفاده کند که اصولگرایان در این زمینه دست پری ندارند، زیرا کمتر در امور اجرایی بوده‌اند؛ بنابراین باید به سمت انتخاب وزرای موفق دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی برود. البته در این بین هماهنگ کردن این وزرا کار تخصصی رئیس‌جمهور است. وزرا از هر طیف و جناحی باشند نیاز به یک هماهنگ‌کننده قوی دارند تا بتوانند در کنار هم کار کنند و این مسئولیت شصت‌گانه است که آنها را در کنار هم هماهنگ کند و به اصلاح جوش دهد.» وی ادامه داد: «دوره افراطی‌گری و شعاری عملی کردن سپری شده است امروز همه دلسوزان کشور که تخصص و سابقه‌اجرائی دارند، دنبال خدمت به مردم هستند اگر رئیسی قوی‌ترین افراد را صرفنظر از حزب و جناح انتخاب کند و مجلس شورای اسلامی هم همکاری کند، کابینه‌قوی تشکیل می‌شود.»

دولت آماده تعامل با دولت

اکنون دولت روحانی در صدد تعامل حداکثری با دولت رئیسی است چنانکه وزرا یکی‌به‌یک به دیدار رئیسی می‌روند. رئیس دفتر رئیس‌جمهور هم به این موضوع اشاره کرد و گفته است: «رئیس‌جمهوری و وزرا هیچ‌کدام نمی‌خواهند هیچ وزیر فردی را به دولت منتخب تحمیل کنند. معتقدیم پس حق فشار و فشارهای ندارد و رئیس‌جمهوری منتخوب باید با آزادی کامل همکاری و فردی را که به او اطمینان دارد، انتخاب کند.» محمود واعظی ادامه داد: «رئیس‌جمهوری دستور داده است انتقال قدرت آرام داشته باشیم و از طرف دیگر همه اطلاعات خود را در اختیار آقای رئیسی قرار دهیم. می‌خواهیم طوری عمل کنیم وقتی رئیس‌جمهوری منتخب، دولت را تحویل گرفت به اندازه ما اطلاعات داشته باشد.» واعظی اشاره‌ای به هشت سال پیش کرد و طعنه‌ای به دولت محمود احمدی‌نژاد زد: «می‌خواهیم ببینیم در صورتی که دولت محمود احمدی‌نژاد ۹۲ سال کسی با ما همکاری نکرد و ما خود دنبال این وزیران و وزرای وزیر می‌رفتیم و اطلاعات می‌گرفتیم.»



آیا آتش‌سوزی انبارهای تملیکی عمدی بوده‌است؟

مصطفی میرسلیمان نماینده تهران نوشت: در تاریخ ۱۴ تیرماه جاری آتش‌سوزی بسیار گسترده‌ای انبارهای سازمان اموال تملیکی را طعمه خود می‌کند. عمدی بودن این حریق مورد سوال است. در این آتش‌سوزی اموال هنگفتی دچار حریق شده از جمله انواع خودروهای تجملی، انواع لوازم جانبی و لاستیک خودرو، انواع لوازم برقی از جمله رایانه‌های دستی و گوشی همراه و چاپگر، مقادیر بسیار زیادی دارو و مکمل‌ها و تجهیزات درمانی و پزشکی، مقادیر زیادی از انواع خوراکی و نوشیدنی‌های مختلف، بسیاری از اموال که به‌عنوان اجناس قاچاق و توقیفی در تملک سازمان بوده تا تعیین مجازات به صراحت در رای خود به‌عنوان بین‌بردن رد پای زدوی و خیانت به مردم، برنامه‌ریزی دقیق و بی‌نقصی در ورای این آتش‌سوزی نیست؟ چرا پس از هشت سال در واپسین روزهای عمر دولت دوازدهم باید این انبارها طعمه حریق شوند؟ شهرداری تهران و سازمان آتش‌نشانی چه اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از این آتش‌سوزی خیانت‌آمیز کرده‌اند؟

بایگ زنجانی اقدامات قابل توجهی انجام داده است

وکیل مدافع بایگ زنجانی می‌گوید: موکلش اقدامات قابل توجهی انجام داده و توجه به اقداماتی که انجام شده چنانچه وجوه مربوطه مسترد شود، قطعاً موکل مشمول عفو خواهد شد. رسول کوهپایه‌زاده گفت: براساس دادنامه قطعی صادره از سوی دیوان عالی کشور چنانچه موکل وجوه مربوطه را مسترد و مطالبات شرکت نفت را پرداخت کند، از مقررات ذیل ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی که به عفو و بخشودگی اشعار دارد، بهره‌مند می‌شود؛ لذا همان رای قطعی و مرجعی که مجازات اعدام را برای موکل تعیین کرده است؛ بلافاصله پس از این تعیین مجازات به صراحت در رای خود به‌عنوان بخشودگی که از تاسیسات مهم قانون مجازات اسلامی مطرح در ماده ۱۴ قانون مربوطه است، تصریح کرده است و کوهپایه‌زاده در پایان تأکید کرد: از آنجا که دادنامه صادره بر این موضوع صراحت ندارد و خالی از شک و شبهه است؛ با توجه به اقداماتی که انجام شده چنانچه وجوه مربوطه مسترد شود قطعاً موکل مشمول عفو خواهد شد.

رئیس‌ی باید با دنیا تعامل داشته باشد

فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: برجام، FATF و کمبود منابع از چالش‌های اصلی رئیس‌جمهور بعدی خواهد بود. جواد امام با بیان اینکه مشکلات اصلی دولت روحانی پیش‌روی رئیسی هم خواهد بود، اظهار کرد: اگر این مشکلات حل نشود، کشور به مشکل برمی‌خورد؛ زیرا اگر برجام احیا نشود کمبود منابع در کشور مشکلات جدی درست خواهد کرد. وی با اشاره به برخی مشکلات کشور از جمله وضعیت معیشتی جامعه، وضعیت اشتغال، اعتراضات کارگری و کمبود برق خاطر نشان کرد: به علت گرمای هوا و تولید ۱۰ درصد ریز آبرهای جهان در ایران و نبود زیرساخت کافی برای آن، شاهد قطعی برق مصرفی منازل هستیم. تحریم‌ها هم به صنعت برق فشار آورده و با کمبود سرمایه‌گذاری در این زمینه مواجه‌ایم. این مشکلات پیش‌روی دولت سیزدهم هم خواهد بود و باید فکری به حال آن کرد. رئیسی باید با دنیا تعامل داشته باشد تا منابع لازم برای سرمایه‌گذاری وارد کشور شود.

گفت‌وگو

امیرعلی ابوالفتح در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

سهم آمریکادر وخیم‌شدن روابط با ایران بیشتر است

ایران در دولت‌های نهم و دهم در جایگاه متهم قرار داشت ایران نسبت به ۱۰سال پیش قدرتمندتر شده است



آرمان ملی - علیرضا پورحسین: نزدیک به ۲۰۰ سال از نخستین ارتباط ایران و آمریکا در عصر قاجار می‌گذرد و این ارتباط در طول ۲۰۰ سال گذشته با فراز و نشیب‌های جدی مواجه بوده تا جایی که در ۴۳ سال اخیر عملاً به یکی از مهم‌ترین تقابلهای سیاسی در جهان بدل شده است؛ تقابلی که برخی آن را قدیمی‌تر و حتی مربوط به دوران پهلوی دوم می‌دانند. فارغ از تاریخچه این تقابل، در هشت سال گذشته اتفاقات دیگری رقم خورد و دستگاه دیپلماسی ایران با در دست گرفتن ابتکار عمل نشان داد که می‌توان در عین همراه نشدن با سیاست‌های آمریکا، رابطه دو کشور را به‌نحوی دیگر ترسیم کرد و حتی علیه این کشور، اروپا را که از قدیمی‌ترین متحدان آمریکاست، با خود همراه کرد. اتفاقی کم‌نظیر که پس از انقلاب نمونه آن را نمی‌توان مشاهده کرد که تمامی قدرت‌های جهان در پشت ایران ایستاده و آمریکا صرفاً حمایت چند جزیره کوچک را در کنار خود دارد و در راستای فعال کردن مکانیسم ماشه شکست می‌خورد. این اتفاقات به ما نشان داده راه دیگری نیز وجود دارد که به مراتب می‌تواند کم‌هزینه‌تر برای کشور باشد و منافع بیشتری برای ایران در پی داشته باشد؛ مسیری که کیلومترها دورتر از تقابل سخت سال‌های گذشته است و دولت سیزدهم با اتکا به آن می‌تواند وضعیت متفاوتی در روابط دو کشور خلق کند. در راستای بررسی این مساله «آرمان ملی» گفت‌وگویی با امیرعلی ابوالفتح، تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا داشته است که در ادامه می‌خوانید.

آیا با روی کار آمدن دولت سیزدهم می‌توان شاهد روابطی متفاوت بین ایران و آمریکا نسبت به سال‌های قبل بود؟

تقابل ایران و آمریکا در سال‌های گذشته به مساله‌ای فراتر از ماهیت دولت‌ها بدل شده است. این یک موضوع ریشه‌دار است که البته نوعی از خصومت‌ها، لدخوری‌ها، بدعهدی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و خشونت‌ها را در خود جا داده است. با روی کار آمدن هر دولت این سابقه بر خود را باک نمی‌شود. نمونه این اتفاقات به ما نشان داده راه دیگری نیز وجود دارد که به مراتب می‌تواند کم‌هزینه‌تر برای کشور باشد و منافع بیشتری برای ایران در پی داشته باشد؛ مسیری که کیلومترها دورتر از تقابل سخت سال‌های گذشته است و دولت سیزدهم با اتکا به آن می‌تواند وضعیت متفاوتی در روابط دو کشور خلق کند. در راستای بررسی این مساله «آرمان ملی» گفت‌وگویی با امیرعلی ابوالفتح، تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا داشته است که در ادامه می‌خوانید.

پس به چه علت دولت آقای روحانی توانسته به مراتب بهتر از دولت آقای احمدی‌نژاد روابط و تنش‌ها با آمریکا را مدیریت کند؟

ایران در دولت‌های نهم و دهم در جایگاه متهم قرار داشت و مقنون به انجام اقدامات خلاف صلح و ثبات بودیم. مشخصاً ایران در دولت یازدهم و دوازدهم با در پیش گرفتن یک روند دیپلماتیک بسیار هوشمندانه از جایگاه متهم فاصله گرفته و به‌عنوان شاکتی و مدعی شناخته شد و کشورهای جهان نیز پذیرفتند که ایران به تعهدات خود پایبند بوده و در راستای ایجاد زمینه امنیت‌گام برداشته است و این آمریکا بوده که در این زمینه بدعهدی کرده است. آمریکای مطالبه‌گر با اقدامات دولت یازدهم و دوازدهم تبدیل به یک به‌دکار بزرگ شد که همه از او انتظار داشتند به تعهدات خود عمل کرده و بدهی خود را بپردازد. این از طرف‌ات عمل دولت و نظام بود که منجر به چنین نتیجه‌ای شد. این یک دستاورد بزرگ بود که با تکنیک‌های مذاکراتی وزارت خارجه به‌دست آمد و البته حمایت حاکمیت را نیز در پشت خود داشت. ایران اگر در دولت سیزدهم نیز بتواند همین روند را ادامه دهد مشخصاً دیگر شرایط سخت دوران دولت نهم و دهم تکرار نمی‌شود. ایران در این عرصه باید مراقب اقدامات خود باشد. ایران اگر به گونه‌ای رفتار کند که جهان بار دیگر علیه ایران یک‌صدا شود این احتمال وجود دارد که به شرایط مشابه آن‌ها سال‌ها مواجه شویم. ساختار نظام بین‌الملل امروز کاملاً متفاوت از سال ۲۰۱۰ و سال ۲۰۱۱ است. چین دیگر چین آن سال‌ها نیست، روسیه، اروپا و سازمان ملل نیز با آن سال‌ها تغییر کرده‌اند و آکنشی که آن‌ها امروز در قبال ایران از خود نشان می‌دهند به مراتب با آن سال‌ها متفاوت است. این تفاوت زمانی خود را نشان می‌دهد که امروز حتی با غنی‌سازی ۶۰ درصد نیز ذیل بند ۷ شورای امنیت نرفته‌ایم.

مؤلفه کنش‌های ایران در ایجاد این تغییرات تا چه میزان موثر بوده است؟

مشخصاً تأثیر زیادی داشته است. ایران ۲۰۲۱ با ایران ۲۰۱۰ کاملاً متفاوت است. ایران ۲۰۱۰ به مراتب از نظر اقتصادی از ایران امروز آسیب‌پذیرتر بود. ایران در آن برهه زمانی توان ایستادگی زیر فشار اقتصادی را مشخصاً نداشت و نتوانسته بود به جهان ثابت کند که اقدامات صلح‌آمیز را در دستور کار خود قرار داده است. از نظر اقتصادی نیز ایران پخته‌تر شده است و توانسته تحریم صدرصدی را پشت‌سر بگذارد؛ هر چند نباید فراموش کرد که زندگی مردم سخت شده است. از سوی دیگر توانمندی هسته‌ای ایران نیز ارتقا پیدا کرده است و ایران امروز به‌راحتی می‌تواند غنی‌سازی ۹۰ درصد داشته باشد. قدرت ایران را زمانی می‌توان متوجه شد که هر وقت می‌کند، می‌تواند هوایمیزی آمریکایی را هدف قرار دهد و هر وقت اراده می‌کند عین‌الاسد را هدف قرار می‌دهد. هیچ کشوری جرات انجام چنین کارهایی را در مقابل آمریکا ندارد. ایران دیگر با تهدید عقب نخواهد نشست و مهم‌ترین تغییر در عرصه بین‌المللی به‌عنوان نماینده قدرتمندتر شدن ایران است که برای رسیدن به این نقطه هزینه‌های زیادی پرداخت شده است.